

درس اول: هستی و چیستی

خلاصه مطالب درس اول

✓ این / آن اشاره دارد به هستی و وجود و فرض و قبول آن

✓ ماهیت = چیستی

✓ هستی و چیستی از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌هاست.

✓ وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آن‌هاست.

✓ وجود و ماهیت، دو مفهوم جدا و متفاوت‌اند ولی در واقعیت یکی هستند. «هست» با «درخت درخت است»، «انسان انسان

است» و ... فرق دارد.

✓ حمل «وجود» بر هر «ماهیت»، ضروری نیست و لذا، نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد (از راه

حس و تجربه بتوان به وجودش پی برد) یا عقلی محض (از راه برهان عقلی به وجودش پی برد).

✓ فرق بین ماهیت و وجود، بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است، از جمله پایه برهان «وجود و

امکان» ابن سیناست.

✓ علاوه بر ابن سینا، فیلسوفان دیگر نیز در مورد فرق ماهیت و وجود نقطه نظراتی داشته‌اند. ارسطو در کتاب «مابعدالطبیعه» اجمالاً

به این بحث پرداخته و در مسیحیت نیز توماس آکوئیناس، آلبرت کیبر و راجر بیکن.

@نکته: اصل دانش فلسفه را وجودشناسی (هستی‌شناسی / Ontologie) می‌گویند.

✓ از یک جهت هستی‌شناسی یا مابعدالطبیعه یا فلسفه اولی یکی از علوم فلسفی است و از جهت دیگر می‌توان کل فلسفه به معنای عام

کلمه را هم هستی‌شناسی تلقی کرد. با این توضیح که هر بحث فلسفی، هستی‌شناسی آن بحث است. مثلاً شناخت‌شناسی، در واقع

هستی‌شناسی شناخت است؛ فلسفه تاریخ نیز در واقع هستی‌شناسی تاریخ است. ما در هر بحث فلسفی در حقیقت می‌خواهیم مبانی

فلسفی یا هستی‌شناختی آن را بحث را بکاویم. این که در فلسفه گفته بود که فلسفه (به معنای عام کلمه) به بحث درباره مسائل

بنیادی و نهایی می‌پردازد، منظور از «بنیادی و نهایی و ...»، یعنی هستی و وجود است. با این حساب، مابعدالطبیعه از هستی عام

بحث می‌کند و شاخه‌های دیگر فلسفه از هستی واقعیات خاص بحث می‌کنند.